



نوبت اول دی ماه

اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان رضوی

نام :

پایه :

کارشناسی سنجش و ارزشیابی تحصیلی

نام خانوادگی :

تاریخ امتحان:

اداره آموزش و پرورش شهرستان مشهد

نام پدر:

مدت امتحان :

نام درس: ...فارسی.....

نام و نام خانوادگی معلم

دبستان غیر انتفاعی اندیشمندان پیشرو

بارم	پيامبر اکرم(ص): « نیکوکاری کامل آن است که در نهان همان را انجام دهی که در آشکارا انجام می دهی »	ردیف
	<p>۱. درست و نادرست بودن سوالات زیر را مشخص کنید. .</p> <p>الف) همه ی موجودات هستی نشانه ای از قدرت خداوند هستند . ص () غ ()</p> <p>ب) حکیم برای زنده ماندن خود به حاکم التماس کرد . ص () غ ()</p> <p>۲. شکل صحیح کلمات داخل پرانتز جلوی هریک از جملات زیر را با توجه به معنای آنها در جاهای خالی به کار ببرید.</p> <p>الف) آب مایه ی است. (حیات، حیاط)</p> <p>ب) گل با ارزش هست ولی اطراف آن است. (خار، خوار)</p> <p>پ) پایه و همه ی گفت و گو ها در کلاس درس ، توانایی علمی شاگردان است. (اساس، اثاث)</p> <p>۳. گزینه صحیح را علامت بزنید:</p> <p>الف) وقتی به کارگری کم تر از بقیه دستمزد می دهند. کدام مثل زیر به کار می رود؟</p> <p>الف : آب در هاون کوبیدن</p> <p>ب : بشنو و باور مکن.</p> <p>ج : مرغ همسایه غاز است.</p> <p>د : هیچ ارزانی بی علت نیست.</p> <p>ب) کدام یک از کلمه های زیر جمع است :</p> <p>الف : ایران ب : گیاهان ج : پهلوان د : بیابان</p> <p>۴. برای هرکدام از کلمات داده یک هم خانواده هم را بنویسید.</p> <p>انتخاب: معتدل: حاکم: حال:</p> <p>تجارت: محکم: عیب: استقبال:</p> <p>۵. معنی لغات زیر را بنویسید:</p> <p>هین: مهممه: دیرین: سوغاتی:</p> <p>قصد: گود: کمیاب: جلا:</p> <p>۶. مخالف لغات زیر را بنویسید:</p> <p>ضحیم: نو: کمی: دانا:</p> <p>گران بها: خاور: پرتوان: پیروزی:</p> <p>۷. در جاهای خالی متن زیر علائم نگارشی (. ، ؟) (() !) را به طور مناسب کار ببرید.</p> <p>یک روز ... دانش آموزان با آموزگار خود ... به گردش رفته بودند ... آموزگار گفت ... بچه ها بهتر است برگه ی گزارش نویسی خود را در بیاورید و مشاهدات خود را ثبت کنید ... سارینا پرسید ... خانم چرا اشیای تاریخی را در موزه نگه داری می کنند ...</p> <p>۸. با کلمات داده شده جمله بسازید.</p> <p>حمله :</p> <p>اشتباه :</p>	۱

شگفتی :

پیمودن :

۹. داستان زیر را بخوانید و به سوالات پاسخ دهید.

روزی، اتوبوس خلوتی در حال حرکت بود. پیرمردی با دسته گلی زیبا روی یکی از صندلی ها نشسته بود. مقابل او دختری جوان قرار داشت که بی نهایت شیفته زیبایی و شکوه دسته گل شده بود و لحظه ای از آن چشم برنمی داشت. زمان پیاده شدن پیرمرد فرا رسید. قبل از توقف اتوبوس در ایستگاه، پیرمرد از جا برخاست، به سوی دخترک رفت و دسته گل را به او داد و گفت: ((متوجه شدم که تو عاشق این گل ها شده ای. آنها را برای همسرم خریده بودم و اکنون مطمئنم که او از اینکه آنها را به تو بدهم خوشحال تر خواهد شد. دخترک با خوشحالی دسته گل را پذیرفت و با چشمانش پیرمرد را که از اتوبوس پایین می رفت بدرقه کرد و با تعجب دید که پیرمرد به سوی دروازه آرامگاه خصوصی آن سوی خیابان رفت و کنار نزدیک در ورودی نشست.

☐ به نظر شما بهترین عنوان برای این داستان چیست ؟

چرا پیرمرد گل را به دختر داد؟

موفق باشید